

امنیت به مثابه فضیلت در آراء فارابی

داود تقی لو^۱

نجف لکزایی^۲

DOR: 20.1001.1.17358671.1399.19.71.5.8

چکیده

امنیت از مفاهیم بنیادی در دین اسلام است که متفکران بی شماری به آن توجه کرده و تعابیر مختلفی از آن ارائه داده اند. با توجه به جایگاه ویژه امنیت در تفکر و عرصه عملی اسلام، هدف پژوهش پیش رو بررسی اسنادی مبتنی بر روش تحلیل محتوای کیفی مفهوم امنیت از دیدگاه مؤسس فلسفه سیاسی اسلامی، فارابی است. (روش) مسئله پژوهش حاضر بررسی موضوع امنیت در آراء فارابی با شاخصه فضیلت مداری است. این اثر که پژوهشی بنیادی است، سازوکارهای تأمین امنیت در مدینه فاضله و اصول اندیشه ای تفکر فلسفی معلم ثانی را درباره امنیت نشان می دهد. سؤالی که بدان پرداخته شده، چگونگی تبیین فضیلت به مثابه امنیت و سازوکارهای آن در اندیشه فارابی است. مسئله امنیت به مثابه فضیلت در آراء فارابی مسئله ای غیر انتزاعی و تجویزی است. امنیت به عنوان فضیلت میانی و ابزاری برای رسیدن به سعادت نهایی، حاصل امنیت پژوهی فلسفی فارابی است. شناخت ناظر به عمل، ریاست انسان های فاضل، اکتساب فضایل، زدودن شرور، تشکیل اجتماعات مدنی و تعاون و همیاری روش های تحقق امنیت در اندیشه سیاسی فارابی است.

واژگان کلیدی: امنیت، فلسفه سیاسی، فارابی، فضیلت، سعادت، مدینه فاضله.

جستار گشایی

امنیت یک مفهوم آشنا و قابل لمس برای تمام اجتماعات بشری از جوامع اولیه چون قبایل کوچک گرفته تا امپراتوری‌های بزرگ جهان باستان و دولت شهرهای یونان و مدینه‌های اسلامی بوده است. به همین قسم امروزه نیز اولویت نخست سیاست‌های کلان و راهبردی واحدهای سیاسی مختلف را تلاش برای رسیدن به وضعیت امن تشکیل داده و راه‌های تأمین آن از جایگاه خاصی در سیاست‌گذاری‌های امنیتی دولت‌ها در قالب امنیت ملی برخوردار است.

منشأ جست‌وجوی امنیت را باید در انگیزه‌ها و امیال اشخاص پی گرفت به این معنی که جست‌وجوی امنیت از مهم‌ترین انگیزه‌های انسانی است که با جوهر هستی انسان پیوند ناگسستنی دارد. صیانت از نفس و حفظ ذات از اساسی‌ترین خواسته‌های انسان است که به شهادت تاریخ انسان‌های اولیه نیز وقتی به اشیایی برمی‌خورند که برای آن‌ها ناآشنا بودند از ترس اینکه مبدا به آن‌ها آسیب برسانند به غارها پناه می‌بردند و خود را پنهان می‌کردند و یا برای دفع خطر به آن حمله‌ور می‌شدند و آن را از بین می‌بردند. این فرآیند نمایانگر آن است که نیاز به امنیت امری طبیعی و فطری است که انسان‌ها را وامی‌دارد تا در تأمین سطوح گوناگون فردی و جمعی آن از خود تحرکات نظری و عملی نشان دهند. اساس تشکیل جامعه نیز مسائل امنیتی و تأمین امنیت در مقابل خطراتی بود که انسان به تنهایی یا با اعضای محدود خانواده خود نمی‌توانست از شر آن‌ها خلاص شود. در این خصوص می‌توان به نظریه قرارداد اجتماعی فلاسفه قرن هجدهم از هابز گرفته تا روسو اشاره کرد که به عقیده آن‌ها نیاز به تضمین جمعی امنیت افراد اولین مرحله قانونی برای شکل‌گیری یک دولت مقتدر است. (هابز، ۱۳۸۹: ۱۸۹) به این صورت می‌توان گفت که تأمین امنیت و راه‌های دستیابی به آن از جمله سنگ بناهای شکل‌گیری واحدهای سیاسی از نگاه تبارشناختی است تا از این طریق شهروندان و ساکنین جوامع مذکور بتوانند به کمک همدیگر به مهم‌ترین نیازشان که تأمین امنیت است و به تبع آن زندگی رضایت‌بخش‌تر دست یابند.

بر اساس رهیافت‌های رایج در فلسفه علم، پژوهش در حوزه امنیت دارای گونه‌های مختلفی است. با نگاهی پسینی گونه‌شناسی مطالعات امنیت در قالب رویکردهای دانشی در شاخه‌های متنوعی قابل تقسیم و ردیابی است. برخی از ویژگی‌های امنیت‌پژوهی در علوم اسلامی از این قرار است: جامعیت و فراگیری نسبی نسبت به ساحات، سطوح، موضوعات و قلمروهای امنیت، جامعیت و فراگیری نسبی نسبت به تهدیدات، امنیت سخت و نرم و جامعیت و فراگیری نسبی نسبت به کارگزاران امنیت و تهدید. بر این اساس مطالعات امنیت در علوم اسلامی می‌تواند نتایج ارزشمندی داشته باشد که بیانگر اهمیت تحقیق در این زمینه است. یکی از گونه‌های مهم و پرفایده مطالعات امنیتی در آثار اسلامی امنیت‌پژوهی فلسفی است. در میان آثار فلسفی اسلامی نیز آراء فارابی برای پژوهش بنیادی در زمینه امنیت، دارای اولویت‌هایی

از حیث‌های زمانی، رتبه‌ای، مبنایی و تأثیرگذاری است.

برای تبیین دقیق‌تر و روشن شدن تفاوت اندیشه اسلامی و غربی در مقوله امنیت، شناسایی مفهوم و مبنایی آن در اندیشه سیاسی اسلامی دارای اهمیت نظری، بنیادی و پژوهشی است. این تفاوت علاوه بر مبنایی و تعریف، در ارزش‌ابزاری داشتن امنیت از منظر فلسفه سیاسی اسلامی است. همچنین توجه به این نکته نیز ضروری است که بررسی آثار فارابی با رویکرد امنیتی در تبیین گونه امنیت‌پژوهی فلسفی می‌تواند نکات شایانی را در اختیار ما قرار دهد؛ چراکه فیلسوفان سیاسی کلاسیک اسلامی عموماً خود را وام‌دار فارابی می‌دانند و در تبیین مسائل فلسفه سیاسی کاملاً متأثر از وی هستند. ازاین‌رو، با تأمل در ابعاد مختلف امنیت در فلسفه سیاسی فارابی می‌توان به فهم کلیت امنیت و جایگاه آن در فلسفه سیاسی اسلامی دست‌یافت. بر این اساس که فارابی برای امنیت ارزش ذاتی قائل نیست، برای تشکیل اجتماع نیز نظر امنیتی ندارد بلکه مقصود از تشکیل مدینه فاضله را نیل به سعادت می‌داند. در این میان امنیت دارای ارزش‌ابزاری بوده تا در پرتو آن افراد جامعه بتوانند با اکتساب فضایل به کمال دنیوی و در پی آن به سعادت اخروی برسند.

فرد بشری برای بقای خود و برای آنکه به برترین کمالات انسانی خود برسد، نیازمند به چیزهایی است که به تنهایی از عهده انجام آن‌ها بر نمی‌آید؛ بلکه نیازمند به گروهی است که هر یک، نیازی از نیازهای او را برآورد و هر فردی از افراد این گروه را چنین حالتی است؛ ازاین‌رو، است که آدمی به کمال فطری خود نخواهد رسید، مگر به مدد اجتماعات که در امور مددکار یکدیگر باشند و در رفع نیازهای یکدیگر اقدام کنند تا جامعه هم برپای باشد و به کمال برسد. از اینجاست که افراد انسان افزون شدند و در جایی آباد از زمین زندگی کردند و از این افراد جامعه‌های انسانی پدید آمد. (فارابی، ۱۹۵۵: م: ۷۷-۷۸)

از ضرورت‌های پژوهش در آثار فارابی با رویکرد امنیتی این است که برخی باورها و آراء که مسئله امنیت را از منظر معلم ثانی بررسی کرده‌اند، مورد نقد و بررسی قرار گیرد. برخی بر این عقیده‌اند که در اندیشه فارابی امنیت به‌عنوان مسئله حیات مدنی انگاشته نشده و ذهن وی را به خود مشغول نساخته است. از این منظر، در فلسفه سیاسی فارابی امنیت در چارچوب اعتدال که پایه همه فضائل است به‌عنوان یک خیر و فضیلت نظیر دیگر خیرات و فضائل، امر ضروری حیات اجتماعی انسان انگاشته شده است. امنیت حاصل ثبات و تعادلی است که میان امور و پدیده‌های سیاسی برقرار شده است و آن‌ها را سلباً از اخلال و اختلال در امور بازداشته است و ایجاباً نیز آن‌ها را بهره‌مند از آرامش و طمأنینه می‌کند. (علیخانی، ۱۳۹۶: ۲۵۷) چنین تبیینی از امنیت و رابطه آن با اعتدال، امنیت را کیفیت و وضعیتی می‌داند که با حاکمیت اعتدال و استقرار توازن در جامعه و نظام سیاسی، آن را به ثبات و آرامش و سازگاری امور نظام سیاسی با همدیگر می‌کشاند. این در حالی است که فارابی به‌عنوان مؤسس فلسفه سیاسی اسلامی

و نظریه پرداز مدینه فاضله ممکن نیست به زوال مدینه فاضله خود و عوامل آن اشاره نکرده باشد. شاید باور به مسئله حیات مدنی نبودن امنیت در آراء فارابی از جایی نشئت گرفته است که معلم ثانی در آثار خود بر لفظ امنیت و مسائل امنیتی تصریح نداشته است. ولی مواردی را در آثار وی می توان یافت که به عوامل نابودی آرمان شهر تصریح می کند. (فارابی، ۱۹۹۵ م: ۱۲۶) یا به گروه هایی می پردازد که هماهنگ با آرا و افعال مشترک اهالی مدینه فاضله نیستند و موجب اختلال نظام می شوند. همچنین جزئیات وظایف رئیس مدینه فاضله و نحوه برخورد با چنین گروه هایی را که آن ها را نوبت و بهیميون می نامد، مورد دقت قرار می دهد. (فارابی، ۲۰۰۰ م، ۱۴۲۱ ق: ۱۲۳ و ۱۰۰؛ و فارابی، بی تا: ۶۱-۶۲) علاوه بر موارد ذکر شده، از اقسام جنگ که مهم ترین و آشکارترین آسیب امنیت از گذشته تا حال می باشد، بحث می کند. (فارابی، ۱۴۰۵ ق، ۷۶) گذشته از این، تلقی امنیت به مثابه فضیلت در آراء فارابی دیدگاهی است که در این نوشته برجسته شده است. با این بیان که از منظر فارابی اکتساب فضائل از سوی شهروندان در مدینه فاضله آسیب ها و تهدیدهای امنیتی داخلی را از میان خواهد برد. شهروندان فضیلتمد در روابط خود از رساندن آسیب های جانی، آبرویی، مالی و... به همدیگر به شدت پرهیز می کنند. بر این اساس مسئله پژوهش حاضر بررسی موضوع امنیت در آراء فارابی با شاخصه فضیلتمداری است.

در اثر حاضر با واکاوی آراء معلم ثانی در رابطه با موضوع امنیت، سؤالی که بدان پرداخته خواهد شد چگونگی تبیین فضیلت به مثابه امنیت در اندیشه فارابی است. همچنین سازوکارهای تأمین امنیت در مدینه فاضله و اصول اندیشه ای تفکر فلسفی فارابی را درباره امنیت بررسی می کنیم. بر این اساس ویژگی های امنیت در اندیشه این حکیم شهر را در محورهای مفهوم امنیت، ابعاد امنیت، مرجع امنیت، سطح امنیت، راهبرد تحصیل امنیت و راهکارهای تحقق امنیت تبیین کرده ایم. این موارد مهم ترین مؤلفه هایی هستند که در هر نظریه امنیتی به آن ها پرداخته می شود. (لک زایی، ۱۳۹۳: ۱۲) فرضیه این تحقیق بر این اساس است که امنیت به مثابه فضیلت در آراء فارابی مسئله ای غیرانتزاعی و تجویزی است. امنیت به عنوان فضیلت میانی و ابزاری برای رسیدن به سعادت نهایی، در امنیت پژوهی فلسفی فارابی دارای ارزش ابزاری است.

در زمینه پیشینه موضوع محل بحث، مقاله ای به عنوان اولین اثر در این زمینه، با عنوان «امنیت در اندیشه فارابی و محقق طوسی» یافت شد. این نوشته کنکاشی در رابطه با چیستی نوع تفکر فلسفی فارابی و خواجه در مورد مسئله امنیت و سازوکارهای تأمین آن است. همچنین هم سنخ و غیرانتزاعی بودن اندیشه آنان در این باره را نشان داده است. (ر.ک: اخوان کاظمی، ۱۳۸۸) سؤال اصلی مقاله «امنیت شناسی در مکتب فارابی»، چیستی اصول روش شناسی امنیت از دیدگاه فارابی است. این مقاله که در حوزه روش شناسی است و روش های امنیت پژوهی را برشمرده است؛ ولی از عهده تبیین دقیق روش فارابی در امنیت پژوهی فلسفی اش برنیامده است. مدعای مقاله مورد اشاره این است که فارابی با دسته بندی جوامع به دنبال احیای امنیت روحی و روانی در زندگی اجتماعی بوده است تا از این طریق امنیت ملی تحقق یابد. (شیخ حسنی، ۱۳۸۹) اثر

بعدی «بررسی آرا و اندیشه‌های فارابی پیرامون امنیت در شهرهای اسلامی» است. نتیجه تصریح شده در این نوشته این است که یکی از ارکان مورد توجه در شهرهای اسلامی برقراری امنیت فردی و اجتماعی است. در راستای تحقق این مهم رعایت این موارد ضروری است: رفع فقر و تبعیض، تعاون و همکاری، قانون‌مندی، عدالت اجتماعی، آموزش اجتماعی و ... (ر.ک: محمدگنجی و صمدی خوش‌مهر، ۱۳۹۷)

مبانی نظری

مطالعات امنیتی فلسفی در مباحث فلاسفه‌ای چون فارابی، ابن‌سینا، ابن‌عامری، شیخ اشراق، محقق طوسی، ملاصدرا، علامه طباطبایی، امام خمینی (ره) و جوادی آملی قابل ردیابی است. (لکزایی، ۱۳۹۴: ۱۰-۱۱ و ۱۲) در مقاله پیش‌رو ممنوعیتی برای برخورداری از هر یک از روش‌های موجود در دانش فلسفه همچون عقلی، قیاسی، برهانی، لمی (از علت به معلول) و انی (از معلول به علت) برای رسیدن به نظریه امنیت به مثابه فضیلت نبوده است. همچنین از روش‌شناسی علم منطق و مبانی فلسفی مانند اصالت ماهیت و دیگر مبانی متناسب با حکمت مشاء استفاده شده است. امنیت‌پژوهی فلسفی از دو گونه روش فهم اشتراکی و اختصاصی برخوردار است. برخی از روش‌های فهم مشترک علل اربعه، تحلیل محتوا، تحلیل گفتمان، هرمنوتیک فلسفی، نظریه اسکینر، تئوری بحران، تبیینی، تحلیلی، تطبیقی - مقایسه‌ای، انتقادی، هنجاری و توصیفی می‌باشند. روش‌های اختصاصی نیز عبارتند از نظریه ادراکات اعتباری و الگوی سه‌گانه حقیقت و چرایی، ماهیت و چیستی و واقعیت و چگونگی و ... از میان الگوهای مطرح برای تحلیل داده‌ها تمرکز مقاله پیش‌رو بر تبیین ماهیت و چیستی امنیت از منظر فارابی و همچنین تبیین واقعیت و چگونگی کارکرد فضائل به عنوان امنیت در مدینه فاضله فارابی است. همچنین در نوشته حاضر از روش‌های تبیینی، تحلیل محتوای کیفی و توصیفی بهره گرفته شده است. برآیند و حاصل‌گونه امنیت‌پژوهی فلسفی، «امنیت به مثابه فضیلت» است که در آثار فیلسوفان مسلمان از فارابی تا فیلسوفان معاصر تبیین شده است. مدینه فاضله، سیاست فاضله، امت فاضله، آرا و مله فاضله و ریاست انسان‌های فاضل همگی در راستای دستیابی به امنیت مدنظر در اندیشه فارابی است.

مفهوم امنیت

امنیت در لغت به معانی ایمن شدن، بی‌بیمی، اطمینان، آسایش و راحتی (معین، ۱۳۷۱: ۴ و دهخدا، ۱۳۸۵) بیان شده است. در زبان عربی امنیت از ریشه «امن» به معنای در امان بودن و بی‌گزندی و بی‌آسویی و از بین رفتن هراس و نگرانی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۹۰) است. دانشنامه آشوری حالت فراغت از هرگونه تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هرگونه تهدید و حمله را امنیت دانسته است. (آشوری، ۱۳۷۳: ۲۰) از مشتقات و مترادفات آن اطمینان داشتن و ایمان آوردن، سلام و سلامتی، آرامش، سکینه و صلح است در مقابل آن واژگانی چون مرض، ناآرامی، اختلال امور، خوف، حزن، رعب، وحشت و شورش می‌باشند.

در یک تقسیم مفاهیم دو گونه‌اند: مفاهیم بسیط و مفاهیم سازه‌ای. در مفاهیم بسیط با تعریفی یک جمله‌ای می‌توان به مقصود دست یافت؛ اما در مفاهیم سازه‌ای هرچقدر جملات بیشتری در تعریف بیاید بر پیچیدگی مفهوم می‌افزاید. اگر امنیت را به عدم خوف یا آرامش یا عدم تهدید یا حفظ ارزش‌ها تعریف کنیم، ابهام آن همچنان باقی است، چون بلافاصله از چیستی جواب پرسش می‌شود: اینکه ارزش چیست؟ تهدید چیست؟ و... بنابراین تعریف مفاهیم سازه‌ای باید از طریق ارائه سازه باشد. سازه امنیت سه وجهی و عبارت است از: هر نوع امنیتی به معنای دستیابی به وضعیتی است که «الف» از آسیب، تهدید و تعرض «ب» مصون باشد تا به «ج» برسد یا در وضعیت «ج» باشد. (لکزایی، ۱۳۹۳: ۱۳)

در اصطلاح فلسفی تعریف سازه‌ای امنیت عبارت است از: هر نوع امنیتی به معنای دستیابی به وضعیتی است که مدینه فاضله و اهل آن از آسیب، تهدید و تعرض شرور و ردیلت‌ها به وسیله اتصاف به فضایل (فارابی، ۱۴۰۵ ق: ۳۵) مصون باشد تا به سعادت قصوی دست یابد. (فارابی، ۱۴۰۵ ق: ۴۵-۴۶؛ و فارابی، ۱۹۹۵ م ب: ۴۷) این تعریف از امنیت به عنوان تعریف منتخب در این مقاله است.

برای در امان بودن از شرور و ردایل، اهالی مدینه فاضله نیازمند نیل به فضائل هستند. این مهم از دو روش حاصل می‌شود: ۱. از طریق فضائل تمکن یافته؛ ۲. ضابطه‌مند بودن نفس (فارابی، ۱۴۰۵ ق: ۳۵) و افرادی که اهل فضائل نیستند برای تأمین امنیت مدینه و دوری از شر آن‌ها از شهر اخراج می‌شوند؛ بنابراین تأمین امنیت در این رویکرد تنها سلبی نیست بلکه نیازمند اقدامات ایجابی نیز است.

ابعاد امنیت

امنیت، فوری‌ترین، ابتدایی‌ترین و ضروری‌ترین نیاز انسان در سطوح مختلف فردی، اجتماعی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی و... است. از منظر غالب اندیشمندان اسلامی انسان معاصر در همه این زمینه‌ها دچار انحطاط امنیتی است. ریشه این انحطاط در خودمحوری به جای خدامحوری است. (سبأ (۳۴): ۴۶) در زمینه ابعاد امنیت دو نوع مکتب امنیتی رایج است. مکاتب محدود و مکاتب گسترده. مکاتب امنیتی محدود تنها از بعد نظامی نظاره‌گر امنیت هستند. (کلارک، ۱۳۸۲: ۲۶۵) به این معنا که وقتی به لحاظ نظامی تهدید وجود نداشته باشد و قدرت نظامی کافی برای مقابله با تهدیدکننده وجود داشته باشد امنیت تحقق پیدا کرده است. مکتب رئالیسم از جمله چنین مکاتبی است. (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۹: ۷۸-۷۹) ولی مکاتب امنیتی گسترده مدعی چندوجهی بودن امنیت همچون ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و... است. (بوزان، ۱۳۹۰: ۱۲۵) ابعاد اشاره شده در هر دو طیف مکاتب امنیتی این جهانی است؛ درحالی که از دیدگاه فیلسوفان اسلامی امنیت وجه سوم و تعالی یافته‌ای نیز دارد. به عبارت روشن ابعاد امنیت در اندیشه اسلامی دارای دو بعد دنیوی و اخروی است. (لکزایی، ۱۳۹۳: ۱۴) این گونه نیست که مکتب امنیتی متعالیه موردنظر اسلام به عرصه‌های دنیایی امنیت اعم از نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و... توجه نداشته باشد بلکه در عین توجه به این موارد گستره دیگری

با عنوان دغدغه امنیت جهان آخرت مورد توجه جدی قرار می‌گیرد.

مسئله ابعاد امنیت از لحاظ فلسفی نیز با توجه به دوبعدی بودن انسان قابل توجیه است. در این اندیشه انسان دارای دو بعد جسمانی و نفسانی است (فارابی، ۱۹۹۵ م الف: ۸۲) که هریک برای بقای مطلوب و همراه با سعادت نیازمند مقتضیات و دفع موانعی است. آنچه از ابعاد انسان دارای بقای ابدی است نفس اوست که ادامه حیاتش در سرای دیگر است. تمایز این رویکرد با رویکردهای مادی‌گرا به امنیت در این است که آن‌ها تمام تلاششان برای بقای انسان است ولی این رویکرد با قائل بودن نفس مجرد برای انسان از مسئله بقا عبور کرده و به کیفیت آن می‌اندیشد. اساساً امنیت در این دیدگاه کیفی بوده و در تناظر با سعادت انسان مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. سعادت در این دیدگاه به معنای کمال و بقایی است که انسان دیگر نیازی به ماده نداشته باشد. (همان: ۱۰۰-۱۰۱)

مرجع امنیت

امروزه بحث از «امنیت برای چه کسی یا برای چه چیزی» با عنوان مرجع امنیت مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در مطالعات ابتدایی از مرجع امنیت توسط واقع‌گرایان و مثبت‌اندیشان، دولت و حفظ آن از تهدیدات بیرونی مرجع امنیت دانسته می‌شد. در مطالعات بعدی توسط واقع‌گرایان و فرامثبت‌اندیشان و گرایش‌های مختلف امنیت منابع تهدید آن متعدد و متنوع بیان می‌گردد و تهدیدات از سخت‌افزارانه به نرم‌افزارانه تبدیل می‌شود. در نتیجه بر مرجع امنیت بودن دولت مراجع دیگری چون جامعه، فرد، گروه‌ها، محیط‌زیست و... افزوده می‌شود.

در فلسفه سیاسی فارابی، حیات به دو قسم حیات اولی و حیات اخیر تقسیم می‌شود. مقصود از حیات اولی حیات جسم است که به وسیله غذا و امورات مادی خارج از خودش بقا دارد؛ اما بقای حیات اخیر به ذات خود است بدون اینکه وابستگی به اشیاء خارج از ذاتش داشته باشد. (فارابی، ۱۴۰۵ ق: ۴۵) برای حفظ هر یک از حیات‌ها امنیتی متصور است؛ اما برای یافتن مرجعیت آن‌ها توجه به تعریف کمال از منظر فارابی ضروری است. کمال هر چیز از منظر فلسفی در آن است که وابستگی هرچه کمتر به غیر خودش داشته باشد و در نهایت در بقایش به چیزی جز ذات خودش وابستگی نداشته باشد. بر اساس این تعریف از کمال، کمال روحی مقدم بر کمال جسمی دارد. چراکه عدم وابستگی به چیزی خارج از ذات تنها در حیات روحانی امکان دارد.

برای انسان دو گونه کمال متصور است: کمال اول و کمال اخیر. کمال اول انسان در دنیا و با انجام تمامی افعال فضیلت‌مید حاصل می‌شود. کمال اخیر مربوط به حیات اخروی بوده و وابسته به تحقق کمال اول است. فارابی این کمال را سعادت قصوی یا کمال نهایی می‌نامد. سعادت که دارای ارزش ذاتی است این نوع از سعادت است. (همان: ۴۶-۴۵) بر این اساس مرجع نهایی امنیت در اندیشه این حکیم حفظ حیات اخیر است که تحقق آن نیز درگرو رسیدن به کمال اخیر است.

امنیت به دو بخش ابزاری و ارزشی قابل تقسیم است. امنیت ابزاری در صورتی است که حفظ حیات مدنی و سیاسی در محدوده مرزهای سیاسی و جغرافیایی مدنظر باشد. در این صورت مرجع امنیت جامعه و گروه‌های مشروع درون آن خواهد بود. هرچند بالعرض می‌توان فرد مدنی را نیز - از آن جهت که قوام مدینه به افراد است - مرجع امنیت دانست. در صورت دوم انسان به‌عنوان خلیفه‌الله و حفظ جایگاه الهی آن و دفع تهدیداتی که متوجه این جایگاه است مورد توجه قرار می‌گیرد. مرجع امنیت در این حالت انسان بمآهو انسان و حفظ انسانیت و ارزش‌های انسانی تا نیل به مقام انسان کامل است.

فارغ از مسئله امنیت اخروی که در آن سعادت انسان مرجع بود، در موارد تراحم بقای مدینه فاضله یا انسان فاضل حق تقدم با مدینه فاضله است. چراکه انسان فاضل و کامل در خدمت مدینه فاضله و رساندن اهالی آن به سعادت است و زمانی که فایده مرگش برای مدینه فاضله بیشتر از حیاتش باشد این وظیفه را به انجام خواهد رساند. (فارابی، ۱۴۰۵ ق: ۸۴)

سطوح امنیت

در جوامع اولیه تا اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی دید محدودی نسبت به امنیت وجود داشت و مباحث امنیتی بر موضوعات نظامی متمرکز بود. در این نگاه تقلیل‌گرایانه موضوع امنیت در توانایی‌های نظامی و برقراری صلح بعد از جنگ محدود می‌شود. (بوزان، ۱۳۷۸: ۲۳)؛ اما در نگاه پیشینه، امنیت محدود به جنگ و صلح نیست بلکه تمام سطوح زندگی مدرن انسان‌ها را در برمی‌گیرد. عرصه‌هایی چون اقتصاد، فرهنگ، تمدن، علم و دانش، بهداشت، سبک زندگی و... را درمی‌نوردد. بر همین اساس تعریف جدیدی از امنیت با عنوان امنیت فراگیر شکل می‌گیرد. تحولات ایجادشده نه تنها سبب تغییر در مفهوم امنیت و سطح آن گردیده بلکه روش‌ها و راه کارهای استراتژیکی که در جهت دستیابی به امنیت توسط واحدهای سیاسی وضع می‌گردد را نیز در برمی‌گیرد.

از منظر فلسفی حیات انسان به دو بخش خرد و کلان قابل تقسیم است. انسان در هرکدام از سطوح حیات نیازمند حس امنیت برای پیگیری دغدغه‌های خود است. سطح خرد امنیت، امنیت فردی است که سایر سطوح امنیت همانند خانواده، اجتماع، ملت، منطقه و جهان بر آن استوار است. از این منظر، امنیت سطح خرد پیش‌درآمد امنیت سطح کلان است. امنیت حاصل شده بین افراد موجب ایجاد امنیت بین خانواده و سطوح کلان‌تر تا نظام بین‌الملل خواهد شد؛ از این رو، در متون اسلامی برنامه تربیتی خاصی بر اساس وجوه انسان در سه سطح فکری (باور)، قلبی (اخلاق) و رفتار (فقه) ارائه می‌شود. (ر.ک: فارابی، ۱۹۹۵ م الف) فضیلت حاصل شده در نفس موجب دفع شرور و رذایل که موجب تشویش و نالامنی هستند می‌شود. (فارابی، ۱۴۰۵ ق: ۳۵) و تربیت انسان‌های فاضل و ضابطه‌مند در نهایت موجب ایجاد جامعه فاضل و امن خواهد بود. (فارابی، ۱۴۰۵ ق: ۳۰)

راهبرد تحصیل امنیت

راهبرد کلان دستیابی به امنیت به مثابه فضیلت، برنامه‌ریزی برای عملیاتی کردن طرح مدینه فاضله است. نظام‌های سیاسی بر دوپایه رئیس و مرئوس استوارند. ریاست و رهبری جز با پذیرش فعال یا منفعلانه مردم محقق نمی‌شود. مدینه فاضله نیز از این قاعده مستثنا نبوده و با خواست و پذیرش مردم به فعلیت می‌رسد؛ به عبارت دیگر حاکمیت رئیس فاضل با خواست مردم فعلیت می‌یابد. (فارابی، ۵۵۹۱ م ب: ۹۳) هرچند که بدون پذیرش مردمی نیز امام و ملک به علت دارا بودن شرایط، امام و ملک می‌باشد. (فارابی، ۵۵۹۱ م ب: ۹۸) بر این اساس نقش مردم در تحصیل امنیت برای مدینه فاضله در پذیرش ریاست انسان فاضل خواهد بود. همچنین غرض از خلقت انسان در شهروند مدینه فاضله شدن اوست تا در سایه فضیلت مداری چنین جامعه‌ای که به مثابه امنیت نرم است رشد و تعالی یافته و به کمال و سعادت دست یابد. اگر چنین غرضی حاصل نشود مرگ برای انسان بهتر از بقا و امنیت خواهد بود. (ابن رشد، ۱۹۹۸ م: ۱۰۰) از آن جهت که انسان حیوانی مدنی‌الطبع است، به تنهایی قادر نیست حوائج اولیه و ضروری زندگی خود را که بارزترین نمونه آن امنیت است برآورده سازد. به کمال و فعلیت رسیدن استعدادهای انسان نیز نیازمند حضور در اجتماع امن است. (فارابی، ۱۹۹۵ م الف: ۱۱۲). هر یک از آدمیان بر سرشت و طبیعتی آفریده شده‌اند که هم در قوام وجودی خود و هم در نیل و وصول به برترین کمالات ممکن خود، محتاج به اموری بسیارند که هر یک به تنهایی نمی‌توانند متکفل انجام همه آن امور باشند. بلکه در انجام آن‌ها احتیاج به گروهی بود... پایه مدینه فاضله از طریق تجمع گروه‌های بسیار که یاری‌دهنده یکدیگر باشند و اجتماع جمعیت‌های زیاد در یک مسکن بنا گذارده می‌شود. (همان) از این رو راهبرد اساسی تحصیل امنیت تشکیل مدینه فاضله خواهد بود.

در آثار فارابی انواع اجتماع برحسب دو ملاک مورد بررسی قرار می‌گیرد: ۱. ملاک جغرافیایی؛ ۲. رسیدن به کمال. بنا بر عوامل جغرافیایی و روابط درونی جامعه، شاهد اجتماع کامل و غیر کامل هستیم. وجه تمیز اجتماع کامل آن است که قادر به رفع نیازهای اعضای خود از جمله امنیت باشد؛ که بر سه قسم است: ۱. عظمی؛ ۲. وسطی؛ ۳. صغری. در مقابل، اجتماع ناقص ناتوان از رفع نیازهای خود و امنیت شهروندان است؛ مانند ده، محله، کوی، منزل. مصداق بارز اجتماع کامل، مدینه فاضله است که در تأمین تمامی نیازهای اهالی خود به‌ویژه امنیت خودکفا است. مدینه فاضله جامعه‌ای است که مقصود حقیقی اجتماع در آن، تعاون بر اموری است که موجب نیل به سعادت حقیقی است. (فارابی، ۱۹۹۵ م الف: ۱۱۳) دو عنصر اصلی در تعریف مدینه فاضله، سعادت و تعاون است. تعاون در فضای سلسله مراتبی و خادم و مخلومی مدینه، همکاری امت بر اساس مراتب وجودی و اجتماعی با هدف رسیدن به سعادت است. (خوشرو، ۱۳۷۲: ۴۷) امنیت در مدینه فاضله دویعدی بوده که هر دو بعد آن با دستیابی

اهالی مدینه به سعادت میسر می‌شود.

پایه دوم تشکیل نظام‌های سیاسی رهبری است. جایگاه رئیس اول در مدینه فاضله همانند قلب و عضو رئیس و اصلی است. «و مدبر تلك المدینه شبیه بالسبب الأول الذی به وجود سایر الموجودات...» (فارابی، ۲۰۰۰م، ۱۴۲۱ق: ۹۵) همچنین به‌مانند سبب اول که سایر موجودات ممکن قایم به ذات اویند، سایر طبقات جامعه در بقا وابسته به ویژگی‌ها و افعال وی هستند. در مدینه فاضله دارای مراتب، ارزش هر عضو از این مدینه به نسبت دوری و نزدیکی وی به رئیس و رهبر متفاوت است. رئیس مدینه علت ایجاد و علت بقای مدینه است، زیرا همه عواملی که در زندگی و سعادت افراد انسانی دخالت دارند، در اختیار رئیس مدینه‌اند.

رکن بعدی برای برپایی مدینه فاضله که محقق غایت مدینه یعنی سعادت نیز می‌باشد، آراء و افعال خاصی است که مورد تأکید بسیار فارابی است. باورهای مشترک اهالی مدینه فاضله شامل باور به مبدأ و معاد (سعادت) و فضایل است. افعال مشترک نیز همان فضایل است که با انجام آن‌ها به سعادت می‌توان دست یافت. نتیجه اشتراک اهالی مدینه فاضله در آراء و افعال ایجاد محبت بین آن‌هاست که عاملی برای اتحاد و الفت شهروندان مدینه است. (فارابی، ۱۴۰۵ق: ۷۰-۷۱) اتحاد و الفت اعضاء یک جامعه از ملزومات امنیت دنیوی است؛ و دستیابی به سعادت در سایه آراء و افعال مشترک، برخورداری از امنیت اخروی را در پی دارد.

در هر جامعه‌ای گروه‌هایی یافت می‌شوند که به قوانین و برنامه‌های حکومتی و الزامی، التزام عملی ندارند. این گروه‌ها به‌عنوان مخلان نظم عمومی و امنیت جامعه به‌شمار می‌آیند. مدینه فاضله نیز از این قاعده امنیتی مستثنا نیست. نوابت گروهی هستند که با نظام مدینه هماهنگ و سازگار نیستند. اینان علف‌های هرز جامعه بوده، به شش دسته تقسیم می‌شوند: ۱. متنقصین: اعمالشان موجب سعادت حقیقی است ولی غرض و هدفشان چیز دیگر است. ۲. معرضه: افرادی که آرای قانون‌گذار مدینه فاضله را به علت دل‌بستگی به مدینه جاهله، تفسیر به رأی می‌کنند. ۳. مارقه: کسانی که در شناخت هدف قانون‌گذار قصور ورزیده، به اعمال ناشایست می‌پردازند. ۴. کسانی که شبهه می‌پراکنند و خود و دیگران را در تردید قرار می‌دهند. ۵. آنانی که برای نیل به اهداف جاهلیت؛ در طرد و انکار حقیقت می‌کوشند. ۶. کسانی که به انکار حقیقت می‌پردازند. (فارابی، ۲۰۰۰م؛ ۱۴۲۱ق: ۱۲۰-۱۲۱) دقت در اقسام نوابت روشن می‌سازد که این افراد یا به‌صورت مستقیم سعادت را نشناخته‌اند و یا در شناخت آراء و افعالی که مقدمه نیل به سعادتند، انحراف دارند. همچنین این گروه یا به‌صورت مستقیم سعادت اهالی مدینه فاضله را با مخاطره مواجه می‌کنند و یا به‌طور غیرمستقیم و با سعادت‌های ظنی؛ از این‌رو، مسئله امنیتی نوابت در مدینه فاضله با توجه به تعریف امنیت به‌مثابه فضیلت و سعادت نمایان می‌شود. بر این اساس نوابت گروه

مسئله‌دار امنیتی در مدینه فاضله هستند به این معنا که مانع فضیلت و سعادت و راه رسیدن به آن هستند. هرگاه عضوی از اعضای نظام سیاسی (مدینه فاضله) مختل گردد، حاکم باید در جهت برطرف کردن آن اختلال تلاش کند؛ از این رو، جست‌وجو و یافتن نوابت و سپس تربیت و تأدیب آنان از وظایف رئیس مدینه فاضله است. چهارراه حل پیشنهادی برای اصلاح امور نوابت به این نحو است: ۱. اخراج از مدینه؛ ۲. عقاب و کیفر؛ ۳. گماردن به کار و بیگاری؛ ۴. حبس و زندان. (فارابی، ۲۰۰۰ م؛ ۱۴۲۱ ق؛ ۱۲۳) اندیشه سخت‌گیرانه فارابی و حساسیت وی در رابطه با مسئله ثبات و امنیت و ضرورت حفظ انتظام نظام سیاسی مدینه فاضله و برخورد با عوامل مختل‌کننده آن نشئت گرفته از زمانه اوست. زمانه‌ای که عصر هرج‌ومرج، تشتت و زوال بنیادهای سیاسی و اجتماعی جهان اسلام و از میان رفتن یکپارچگی سیاسی بود. (اخوان کاظمی، ۱۳۸۸: ۹۵)

راهکارهای تحقق امنیت

الف) شناخت ناظر به عمل

روش‌های کسب امنیت در مدینه فاضله متأثر از نظام فکری و فلسفی فارابی است. از آنجاکه در مدینه فاضله پیوند بین مباحث نظری و عملی یک اولویت راهبردی به شمار می‌رود به گونه‌ای که فهم درست مباحث نظری مقدمه عمل صحیح است. (فارابی، ۱۹۹۵ م ب: ۴۷) بدون توجه به این پیوند نمی‌توان راهکارهای امنیتی از دیدگاه او را به دست آورد با توجه به این پیوند از جمله مهم‌ترین روش‌های تحصیل امنیت در مدینه فاضله عبارت است از کسب معرفت. از نظر فارابی زیربنای امنیت مدینه فاضله به وسیله معرفت تحقق پیدا می‌کند چراکه با معرفت می‌توان فضائل حقیقی را از فضائل پنداری تشخیص داد. «به چگونگی سببیت و مبدئیت فضائل نظری و فکری برای فضایل عملی و صناعات، علم داشته باشد» (فارابی، ۱۴۰۵ ق: ۹۶). بدون شناخت فضائل نظری نمی‌توان به سعادت حقیقی رسید چراکه عمل انسان‌ها تحت تأثیر شناخت و معرفت آن‌ها قرار دارد و این مبانی معرفتی است که جهت دهنده اعمال انسان است. بر همین اساس زمانی که فارابی از مدینه فاضله سخن می‌گوید لازمه تحقق آن را شناخت دقیق آراء و عقاید صحیح می‌داند. چنانکه بخش عمده کتاب مدینه فاضله او را مباحث معرفتی تشکیل داده است. میزان اهمیت کسب معرفت آنگاه در اندیشه فارابی خود را نشان می‌دهد که معیار وی در تقسیم‌بندی جامعه و نفوس به فاضله و غیرفاضله، کسب معرفت و عمل به این معارف است.

برای نمونه نفوس اهل مدینه فاضله کسانی هستند که سعادت را به درستی شناخته و به آن عمل کرده‌اند چنین نفوسی در اوج امنیت بسر می‌برند چراکه به مرحله‌ای از فناپذیری رسیده‌اند و دیگر تعلقی به ماده ندارند. (فارابی، ۱۹۹۵ م الف: ۱۳۱) در مقابل نفوس اهل مدینه فاسقه کسانی هستند که سعادت را شناخته‌اند؛ اما بر اساس شناخت صحیح خود عمل نمی‌کنند این دسته از نفوس انسانی مادامی که در

عالم ماده حضور دارند، متوجه ناامنی که در آن قرار گرفته‌اند نمی‌شوند؛ اما به محض فارغ شدن نفس از بدن مادی متوجه می‌شوند که در چه ناامنی عظیمی گرفتار شده‌اند. (فارابی، ۱۹۹۵ م الف: ۱۴۳) به‌طور کلی از منظر فارابی اولین، مهم‌ترین و بنیانی‌ترین روش برای کسب امنیت کامل و پایدار که در دو سرای دنیا و آخرت کارآمدی داشته باشد از روزنه معرفت می‌گذرد. بر همین اساس کمال اول که برای عموم اهالی مدینه فاضله دست‌یافتنی است با انجام فضایل میسر می‌شود. (فارابی، ۱۴۰۵ ق: ۳۲) چراکه نظام عالم در جهت کمال در حرکت است و انسان و جامعه‌ای می‌تواند در مسیر کمال حرکت کند که از شناخت درست برخوردار باشد. (همان: ۳۵) وی که هدف آفرینش را رسیدن به سعادت می‌داند معتقد است انسان باید سعادت را بشناسد چراکه علیرغم گرایش فطری انسان به سعادت، شناخت سعادت و رسیدن به آن نیاز به معرفت دارد که از طریق راهنما و مرشد عملی می‌شود. این راهنما رؤسای مدینه فاضله یا پیامبر، امام و جانشینان آنان هستند. (فارابی، ۲۰۰۰ م؛ ۱۴۲۱ ق: ۷۹) به میزان شناخت و عملی که جوامع و ملت‌ها نسبت به فضائل دارند به سعادت که همان امنیت متعالیه است می‌رسند. بر همین اساس می‌توان گفت سعادت از منظر فارابی تشکیکی و دارای مراتب است. سعادت‌های حاصل‌شده برای مردم مدینه فاضله از لحاظ کمی و کیفی متفاوت است. این تفاوت و تفاضل از تفاوت کمالات کسب‌شده ناشی می‌شود؛ کمالاتی که به واسطه انجام افعال مدنی به دست می‌آید. (فارابی، ۲۰۰۰ م؛ ۱۴۲۱ ق: ۸۱) با توجه به اهمیت شناخت و معرفت در اندیشه فارابی، کسی می‌تواند رئیس و حاکم جامعه باشد که همانند یک طبیب بیماری‌های جامعه را بشناسد و درصدد علاج آن‌ها برآید. (فارابی، ۱۴۰۵ ق: ۹)

ب) ریاست انسان‌های فاضل

رئیس مدینه فاضله نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد امنیت دارد. اهمیت رئیس و اداره‌کننده جامعه به این است که شایستگی‌ها، لغزش‌ها و اشتباهاتش تنها دامن خود و اطرافیانش را نخواهد گرفت بلکه تبعات لغزش و کوتاهی او بسیار وسیع بوده و کل جامعه را در برمی‌گیرد؛ بنابراین لازم است فضائل در رهبر جامعه به مقتضای سرشت بوده و در وی به ملکه تبدیل شده باشد. (فارابی، ۲۰۰۰ م؛ ۱۴۲۱ ق: ۳۵) رئیس مدینه فاضله مسئول شناخت بیماری‌های جامعه و درمان آن‌ها است (فارابی، ۲۰۰۰ م؛ ۱۴۲۱ ق: ۴۴) از این‌رو رئیس فاضل در رسیدن جامعه به سعادت و امنیت مسئولیت اساسی دارد. رئیس مدینه فاضله کسی است که پیشگام در شناخت معارف، کسب فضایل، زدودن رذایل و سالک مسیر سعادت است. علاوه بر این وظیفه دارد با توان، تخصص و امکاناتی که دارد نظام عادلانه‌ای را ترتیب ببیند که در سایه آن، اعتدال برای کسب فضایل در جامعه تحقق پیدا کند. بر این اساس ریل‌گذار و راهبر و راهکار دهنده مسیر سعادت و مرجع این مسیر رئیس مدینه فاضله است. «والمستنبط للمتوسّط والمعتدل فی الأخلاق والأفعال هو مدبّر المدن والملک، والصناعة آلتی یتستخرج بها ذلک هی الصناعة المدنیة والمهنة المملکیة» (فارابی، ۲۰۰۰

م؛ ۱۴۲۱ ق: ۳۹) صنعت و ابزاری که رئیس مدینه، به واسطه آن اعتدال و حالت میانه را در اخلاق و رفتار استخراج می‌کند هنر و فن مملکت‌داری و کشورداری است. سیاست مطرح در مدینه فاضله سیاسی است که سیاست‌مداران و شهروندان را به بالاترین فضیلت‌ها برساند و کمال مادی و معنوی جامعه را به ارمغان آورد. (فارابی، ۲۰۰۰ م؛ ۱۴۲۱ ق: ۹۲) این امر محقق نمی‌شود جز با حاکم شدن رئیس فاضل. رئیسی که اصلی‌ترین ویژگی آن حکمت است و از لحاظ کمالات به حد اعلا درجیات سعادت رسیده است با وجود چنین ریاستی دین و سیاست درهم آمیخته می‌شود و با فراگیر شدن ارزش‌ها، نظم، اعتدال و امنیت در جامعه فراگیر می‌شود. (فارابی، ۲۰۰۰ م؛ ۱۴۲۱ ق: ۸۳) اگر ریاست فاضله عملی نشود ریاست جاهله حاکم می‌گردد در این صورت هرچند ریاست جاهله از دین برای رسیدن به کرامت و جلالت خود استفاده کند؛ اما جامعه با چنین رئیسی به سعادت حقیقی نمی‌رسد. (فارابی، ۱۹۹۱ م: ۴۳)

ج) اکتساب فضائل

فضیلت از جمله مفاهیم پرکاربرد در مدینه فاضله است که لازمه رسیدن به سعادت است. به بیانی دیگر کمال و سعادت در مدینه فاضله که به مثابه امنیت نهایی است جز از مسیر اکتساب فضائل محقق نمی‌شود. آن بخش از ویژگی‌های روانی و حالات نفسانی که انسان به وسیله آن‌ها کار خیر و فعل حسن انجام می‌دهد فضیلت نامیده می‌شود و در مقابل، آن بخش از حالات نفسانی که انسان را به کارهای شر و قبیح وامی‌دارد رذایل خوانده می‌شود. (فارابی، ۱۴۰۵ ق: ۲۴) استعداد طبیعی انسان به گونه‌ای است که اگر کارهای نیک را تکرار کند در اثر این تکرار هیئتی در نفس شکل می‌گیرد که فضیلت نامیده می‌شود. (همان: ۳۰) نکته قابل توجه این است که فارابی آن چیزی را فضیلت می‌نامد که در نتیجه عمل و ممارست کسب شده است و از صرف دارا بودن استعداد کسب فضائل به عنوان فضیلت یاد نمی‌کند. فضیلت در اندیشه فارابی سلسله مراتبی و فرآیندی است که از چهار بخش تشکیل شده است و عبارتند از؛ ۱. فضایل نظری: که همان کسب دانش است در مقابل جهل؛ ۲. فضایل فکری: یا نیرویی که بهترین و نافع‌ترین غایت را کشف می‌کند. ۳. فضایل خلقی: که همان حالات نفسانی و هیئت‌های نیکویی است که بر اثر تکرار به دست آمده‌اند؛ مانند عفت، شجاعت، سخاوت، عدالت. ۴. فضایل عملی: به عبارت دیگر مرحله عمل کردن به فضائل کسب شده در عرصه زندگی و تعاملات اجتماعی است. (فارابی، ۵۵۹۱ م ب: ۴۹-۸۴) در نهایت از جمله روش‌های تحصیل امنیت به مثابه فضیلت، اکتساب فضیلت بر اساس طی تمامی مراحل فرایند مذکور است. هرکدام از مراحل بیان شده برای دستیابی به فضیلت حتی برای فیلسوف، به تنهایی کفایت نمی‌کند. «الفیلسوف الذی اقتنی الفضائل النظریه فان ما اقتناه من ذلک یکون باطلاً اذا لم تکن له قدره علی ایجادها فی کل من سواه بالوجه الممكن فیه» (فارابی، ۵۵۹۱ م ب: ۹۱) فیلسوفی که فضایل نظری را تحصیل کند، اگر قدرت بر ایجاد و تحقق آن از راه مناسب، در غیر آن نداشته

باشد، راهی که در پیش گرفته است، باطل است. با توجه به آنچه که ذکر گردید تحقق فضایل چهارگانه در جامعه یا امت‌ها مساوی است با امنیت یا همان کمال و سعادت. (فارابی، ۵۵۹۱ م ب: ۸۴)

در مقایسه اهداف و آرزوهای اهالی مدینه‌های مختلف با مشاهده نمونه‌هایی از خیرات مانند ثروت، قدرت، لذت و مقام که به مثابه سعادت انگاشته می‌شوند؛ سعادت به ظنی و حقیقی تقسیم می‌شود. جامعه‌ای که به دنبال چنین امور واهی باشد و آن‌ها را برای خود سعادت تلقی کند، جامعه جاهلی است. (فارابی، ۱۹۹۱ م: ۵۲) سعادت حقیقی و نهایی چیزی است که انسان وقتی به آن می‌رسد دست از طلب چیزهای دیگر بازمی‌دارد که همان سعادت قصوی است. سعادت قصوی برای اهالی مدینه فاضله دارای مطلوبیت ذاتی است. مطلوبیت ذاتی آن به این معنا است که دیگر فضائل نظری و عملی وسیله رسیدن به آن هستند. (فارابی، ۱۴۰۵ ق: ۹۶)

مفهوم دیگری که در آراء فارابی در ارتباط تنگاتنگ با مفاهیم امنیت، فضیلت و سعادت است؛ کمال است. با درک مفهوم کمال در اندیشه فارابی و ارتباط آن با فضیلت و سعادت می‌توان به درک نظریه امنیت به مثابه فضیلت در اندیشه فارابی نزدیک شد. کمال به دو بخش تقسیم می‌شود. نخست؛ کمال دنیوی که در نتیجه شناخت فضائل و عمل به آن‌ها تحقق پیدا می‌کند. «والکمال الاول هو ان يفعل افعال الفضائل کلها، لیسان یكون الانسان ذافضیله فقط من غیران یفعل افعالها و ان الکمال هو فیان یفعل لا فیان یقتنی الملکات» (فارابی، ۱۴۰۵ ق: ۴۵-۴۶) کمال اول آن است که انسان همه فضائل را انجام دهد و به آن‌ها اتصاف پیدا کند نه اینکه تنها دارای هیئت‌های فضیلت باشد بدون اینکه آن‌ها را به کار ببندد؛ بنابراین معنای کمال آن است که به مقتضیات فضیلت عامل باشد نه اینکه تنها به ملکات فضایل علم داشته باشد. دوم؛ کمال اخروی یا همان سعادت نهایی است که تحقق آن ارتباط مستقیم و تنگاتنگ با کمال دنیوی دارد. بر همین اساس هر آنچه کمال دنیوی را تهدید کند کمال اخروی را نیز تهدید کرده است. از دیدگاه فارابی قرائت‌هایی که امنیت و کمال دنیوی را فارغ از دید اخروی مطلوب می‌دانند مردود است به عبارت دیگر دنیای آباد و امنی که به آخرت بی‌توجه است عین ناامنی است چرا که تنها کمال اخروی بذاته مطلوب است. «و ذلک هو السعادة القصوی و هو الخیر علی الاطلاق فهو المؤتمر المشتبه لذاته» (فارابی، ۱۴۰۵ ق: ۴۶) شهروندان فاضل از آنجاکه به کمالات دنیوی دست یافته‌اند دارای امنیت و آسایش در مدینه فاضله هستند و چون دارای کمالات نفسانی و اخلاقی هستند به حقوق همدیگر تعرض ندارند؛ و از آنجایی که از کمال و سعادت اخروی برخوردارند به امنیت اخروی دست یافته‌اند. بنیان طرح مدینه فاضله بر پایه دستیابی به کمال دنیوی و اخروی شکل می‌گیرد. انسان تشنه کمال، به دنبال تحقق بخشیدن به مدینه فاضله است و در صورت ناممکن بودن آن به هجرت از مدینه‌های غیرفاضله به مدینه فاضله می‌اندیشد. (فارابی، ۱۴۰۵ ق: ۹۵)

د) زوال شرور

از جمله راه‌های تحصیل امنیت از منظر فارابی «زوال شرور» است. بر همین اساس فارابی راه رسیدن به سعادت را از طریق زوال شرور معرفی کند. «و بلوغ السعادة اما يكون بزوال الشرور عن المدن و عن الامم. ليست الارادة منها فقط بل و الطبيعية» (فارابی، بی‌تا: ۶۷) رسیدن به سعادت با زوال شرور از بین ملت‌ها و مدینه‌ها حاصل می‌شود. شروری که فارابی به زوال آن‌ها برای امنیت می‌اندیشد شرور ارادی و طبیعی هستند. خیر و شرهای ارادی و طبیعی سرنوشت بشر را نسبت به امنیت و ناامنی رقم می‌زنند. «و؛ اما الخیر الارادی و الشر الارادی و هما الجمیل و القبیح فانهما یحدثان عن الانسان خاصه» (فارابی، ۲۰۰۰ م؛ ۱۴۲۱ ق: ۷۳) خیر و شر ارادی که همان زیبایی و زشتی هستند صرفاً از انسان ناشی می‌شوند. آنچه که از این بیان فهمیده می‌شود اینکه امنیت در اندیشه فارابی اکتسابی است؛ به عبارت دیگر دستیابی به امنیت تابع اراده انسان‌ها است. اگر اهالی مدینه شناخت مناسب و عمل مناسب با آن داشته باشند به سعادت و امنیت می‌رسند. ملاک تشخیص شر در توجه به اعتدال و معتدل بودن است. به این معنا که هرگونه فاصله از حد اعتدال نوعی در دامن شر افتادن است. برای نمونه حد وسط نسبت به شهوت «عفت» است طمع زیاد در شهوت یا بی‌تفاوتی کامل نسبت به این گزینه خروج از حد وسط و به معنای دوری از کمال و سعادت است. (فارابی، ۱۴۰۵ ق: ۳۶) سعادت که امنیت در گرو تحقق آن است.

ه) تشکیل اجتماع مدنی

یکی دیگر از روش‌های تحصیل امنیت، بودن در اجتماع مدنی است. زیست جمعی انسان از عوامل تأثیرگذار در کسب فضایل، رسیدن به کمال و تحصیل امنیت است. (فارابی، ۲۰۰۰ م؛ ۱۴۲۱ ق: ۶۹) کمال دنیوی و اخروی اهالی مدینه فاضله در گرو تعاون و همکاری است که تشکیل اجتماع از مقدمات آن است. فارابی انسان را موجودی مدنی بالطبع می‌داند که جز در اجتماعات مدنی به کمال نمی‌رسد. در تقسیم انسان، حیوانات و گیاهان از منظر وابستگی و نیاز به یکدیگر، انسان جزء آن دسته‌ای قرار می‌گیرد که تنها در اجتماع مدنی می‌تواند به کمال و سعادت برسد و امنیت لازم را به دست آورد. «و الانسان من انواع آلتی لا یمكن ان یتم لها الضروری من امورها و لا ینال الا فضل من احوالها الا باجتماعات منها کثیره فی مسکن واحد» (همان) انسان موجودی است که هم در امور ضروری و هم در رسیدن به حالات و کمالات برتر، به زندگی اجتماعی نیازمند است. طبع و فطرت انسان به گونه‌ای است که برای عبور از زندگی حیوانی و رسیدن به کمال انسانی نیازمند تعاون در اجتماع است. (فارابی، ۱۹۹۵ م الف: ۱۱۲)

و) تعاون و همکاری

مدینه فاضله جامعه متمدنی است که به وسیله تعاون بین افاضل تحقق پیدا می‌کند و از رهگذر همکاری اهل مدینه فاضله ضروریات آن تأمین شده و برای شکوفایی و نیل به سعادت و کمال نیز مهیا می‌شود.

بر همین اساس معلم ثانی در معنای گونه‌های مدینه می‌نویسد:

المدينة قد تكون ضرورية و قد تكون فاضلة. [فأما المدينة] الضرورية فهي التي إنما يتعاون أجزاؤها على بلوغ الضروري فيما يكون به قوام الإنسان و عيشه و حفظ حياته فقط؛ و؛ اما المدينة الفاضلة فهي يكون به يتعاون أهلها على بلوغ أفضل الأشياء التي [بها يكون] وجود الإنسان و قوامه و عيشه و حفظ حياته. (فارابی، ۱۴۰۵ ق: ۴۵)

مدینه و شهرگاهی بایسته (ضروری) و گاهی آرمان‌شهر است، شهر بایسته همان است که تمام اجزاء آن با یکدیگر همکاری و هیاری دارند تا تنها به ضرورتی که سازمان‌بخش زندگی آدمی و محافظ آن است دست یازند، ولی آرمان‌شهر همان است که مردمان آن برای دست یازیدن به برترین چیزهایی که هستی آدمی و سازمان زندگی و حفاظت او را موجب است با یکدیگر همکاری و هیاری دارند.

اهالی مدینه فاضله همانند یک کل به هم پیوسته از پنج بخش اصلی تشکیل می‌شود که عبارتند از: ۱- اندیشمندان با فضیلت یا حکما؛ ۲- سخنگویان یا پیشوایان، نویسندگان و امثال آنان؛ ۳- سنجش‌کنندگان یا جامعه مهندسين، پزشکان و امثال آنان؛ ۴- نظامیان؛ ۴- پیشه‌وران یا کشاورزان و دامداران و امثال آنان. (همان: ۶۵) تخصص‌گرایی و تقسیم‌کار در مدینه فاضله به گونه‌ای است که هر یک از اعضای جامعه در هر رتبه‌ای از خادمی یا ریاست که باشد، کار متناسب با تخصص خود را انجام می‌دهد. (همان: ۷۴-۷۵) تقسیم‌کار در مدینه فاضله از جهات متعدد دارای فایده است. افراد با این کار هم در تخصص خود مهارت لازم را کسب می‌کنند و هم کار را در زمان معین به انجام می‌رسانند؛ اما حکمت آن در این است که انسان به تنهایی قادر به برآوردن نیازهای ضروری زندگی خود نیست و فلسفه تشکیل اجتماع نیز بر این اساس بود. اگر بنا باشد در جامعه تقسیم‌کار، تعاون و همکاری در برآوردن نیازها نباشد حکمت تشکیل اجتماع زیر سؤال خواهد رفت. فارابی با تشبیه جامعه به بدن انسان بر این باور است همان‌گونه که اعضای بدن انسان با تفاوت‌های گوناگون در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند و با همکاری هدف خاصی را دنبال می‌کنند جامعه نیز برای رسیدن به کمال و سعادت نیازمند همکاری همه اعضا است؛ مانند کارکرد اعضا بدن در جایگاه خودشان که برای کل بدن فایده‌مند است، کارکرد هر عضوی از جامعه در جایگاه خود برای تمامی اهالی مدینه سودمند و مفید خواهند بود. (همان: ۴۲) اگر بخشی از شهر یا جامعه دچار آسیب گردد، همانند یک بدن، سایر بخش‌های جامعه نیز گرفتار می‌شوند و برعکس اگر خیر و سعادت در بخشی از جامعه رخ دهد کل جامعه بهره‌مند خواهد شد.

نتیجه‌گیری

در فلسفه سیاسی اسلامی که با فارابی آغاز می‌شود، منشأ اجتماع انسانی نیل به کمال و سعادت است. امنیت در آراء فارابی به عنوان یکی از خیرات مشترک، فضیلتی میانی برای رسیدن به سعادت که فضیلت

نهایی است می‌باشد. امنیت به مثابه فضیلت با عطف توجهش به سعادت قصوی در حوزه مکاتب امنیتی متعالیه قرار می‌گیرد. تعریف امنیت در اندیشه فارابی از این قرار است: هر نوع امنیتی به معنای دستیابی به وضعیتی است که مدینه فاضله و اهل آن از آسیب، تهدید و تعرض شرور و رذیلت‌ها به وسیله اتصاف به فضایل مصون باشد تا به سعادت قصوی دست یابد. رویکرد امنیت به مثابه فضیلت و به هدف رسیدن به سعادت با قائل بودن نفس مجرد برای انسان از مسئله بقا عبور کرده و به کیفیت آن می‌اندیشد. سعادت یعنی رسیدن انسان به درجه‌ای از کمال که برای بقای خود نیازی به ماده و امور مادی ندارد. غنا و بی‌نیازی از ماده مؤلفه‌ای مهم در دستیابی به امنیت در اندیشه فارابی محسوب می‌شود.

مرجع امنیت در نظام فلسفی فارابی حفظ حیات اخیر که همان حیات اخروی است، می‌باشد. مقصود از حیات اخروی حیات همراه با سعادت‌مندی است و الا افراد و جوامع غیرفاضل نیز در آن دنیا بقا خواهند داشت ولی بقایی بدتر از فنا. دستیابی به سعادت نهایی از طریق اتصاف به فضایل و عمل به آن‌ها و دوری از رذایل و دفع شرور قابل تحقق است. مرجع امنیت در امنیت دنیوی، مدینه فاضله است؛ یعنی در تراحم حفظ مدینه فاضله و انسان فاضل این جامعه فاضل است که اولویت بقا دارد و انسان فاضل برای بقای مدینه فاضله فدا می‌شود.

راهبرد کلان دستیابی به امنیت به مثابه فضیلت برنامه‌ریزی برای عملیاتی کردن طرح مدینه فاضله است. مدینه فاضله با سه رکن مردم، ریاست انسان‌های فاضل و آراء و افعال مشترک اهالی مدینه محقق می‌شود. تأکید فارابی بر ریاست انسان‌های فاضل و آراء و افعال مشترک است تا به غایت مدینه فاضله که سعادت است، دست یابد.

بر اساس نتایج به دست آمده پیشنهاد می‌شود در راستای تأمین امنیت نرم در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران از آراء فارابی در جهت بازتعریف اسلامی ایرانی مفهوم امنیت بهره گرفته شود. همچنین از آنجایی که زبان فلسفه زبانی بین‌المللی است همه ملل می‌توانند از نتایج به دست آمده در راستای بهینه‌سازی امنیت شهروندان و جامعه‌ای خود استفاده ببرند. روش‌هایی که از آراء فارابی برای کسب امنیت در کشورمان و حتی دیگر کشورهای اسلامی پیشنهاد می‌شود عبارتند از: بهینه‌سازی بینش درست ناظر به عمل، انتخاب مسئولین از میان انسان‌های فضیلت‌مید، ترویج فضایل در جامعه، زدودن شرور و رذایل از جامعه، تشکیل و تقویت اجتماعات مدنی و مردم‌نهاد و تعاون و همیاری دولتمردان با یکدیگر و با مردم و همچنین مردم با یکدیگر.

منابع

- آشوری، داریوش (۱۳۷۳)، *دانشنامه آشوری*، تهران: مروارید.
- ابن‌رشد، محمدبن‌احمد (۱۹۹۸ م)، *الضروری فی السیاسه*، بیروت: مرکز دراساه الوحده العربیه.
- اخوان‌کازمی، بهرام (۱۳۸۸)، *امنیت در اندیشه فارابی و محقق طوسی*، حکومت اسلامی، سال چهاردهم، شماره دوم.
- بوزان، باری (۱۳۷۸)، *مردم، دولت‌ها و هراس*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- _____ و دیگران (۱۳۸۶)، *چارچوبی تازه برای امنیت*، ترجمه علی‌رضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- خوشرو، غلام‌علی (۱۳۷۲)، *شناخت انواع اجتماعات از دیدگاه فارابی و ابن‌خلدون*، تهران: اطلاعات.
- دهخدا (۱۳۸۵)، *لغت‌نامه دهخدا*، تهران: موسسه لغت‌نامه دهخدا.
- راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد (۱۴۱۲ ق)، *مفردات الفاظ قرآن*، به کوشش صفوان عدنان داوودی، دمشق: دارالعلم.
- شیخ حسنی، محمود، (۱۳۸۹) «امنیت شناسی در مکتب فارابی»، فصلنامه مطالعات راهبردی دفاعی، دی‌ماه، شماره ۱۱۰.
- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۹)، *نظریه‌های امنیت*، تهران: موسسه ابرار معاصر.
- علیخانی، علی‌اکبر و دیگران (۱۳۹۶)، *حکمت سیاسی اسلامی (مفاهیم بنیادین)*، تهران: موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- فارابی، (ابونصر) محمدبن‌محمد (۱۹۹۵ م الف)، *آراء اهل المدينه الفاضله*، بیروت: دار و مکتبه الهلال.
- _____ (۱۹۵۵ م ب)، *تحصیل السعاده*، بیروت: دار و مکتبه الهلال.
- _____ (بی‌تا)، *التنبیه علی سبیل السعاده*، تهران: حکمت.
- _____ (۲۰۰۰ م، ۱۴۲۱ ق)، *السیاسه المدنیه*، بیروت: دار و مکتبه الهلال.
- _____ (۱۴۰۵ ق)، *فصول منتزعه*، تحقیق فوزی متزی نجار، تهران: المکتبه الزهراء.
- _____ (۱۹۹۱ م)، *الملله و نصوص اخری*، بیروت: دارالمشرق.
- کلارک، یان (۱۳۸۲)، *جهانی‌شدن و نظریه روابط بین‌الملل*، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- گنجی، محمد، زهره و رقیه صمدی خوش‌مهر (۱۳۹۷)، «بررسی آرا و اندیشه‌های فارابی پیرامون امنیت در شهرهای اسلامی»، اولین همایش بررسی چالش‌ها و ارائه راهکارهای نوین مدیریت شهری، تهران: سازمان بسیج شهرداری تهران، https://www.civilica.com/Paper-EPCPSUM01-EPCPSUM01_010.html
- لکنزایی، نجف (۱۳۹۳)، «امنیت متعالیه»، سیاست متعالیه، سال دوم، شماره پنجم.
- _____ (۱۳۹۴)، «گونه‌شناسی امنیت‌پژوهی در علوم اسلامی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هجدهم، شماره چهارم، شماره ۷۰.
- معین، محمد (۱۳۷۱)، *فرهنگ فارسی*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- هابز، توماس (۱۳۸۹)، *لویاتان*، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی.